

مسیح به عنوان آن که به ما استراحت می‌دهد

خواندن متون مقدس: پیدایش ۱: ۲۶، ۳۱-۲: ۲؛ متی ۱۱: ۲۸-۳۰؛ خروج ۳۱: ۱۲-۱۷

۱. «بیاید نزد من ای تمام زحمتکشان و گرانباران و من شما را آرامی [استراحت] خواهم بخشید. یوغ مرا بر خود گیرید و از من تعلیم یابید زیرا که حلیم و افتاده دل می باشم و در نفوس خود آرامی [استراحت] خواهید یافت؛ زیرا یوغ من خفیف [آسان] است و بار من سبک» - متی ۱۱: ۲۸-۳۰:

آ. مشقت کشیدن اینجا نه تنها به مشقت تلاش برای حفظ فرامین قانون و مقررات دینی و مذهبی است، بلکه مشقت تلاش برای موفقیت در هر کاری نیز می باشد. هر که بدین گونه مشقت می کشد، همیشه بار [قلبی] سنگینی دارد.

ب. پس از اینکه خداوند پدر را ستود، راه پدر را تصدیق کرده و اقتصاد الهی را اعلام نمود (آ. ۲۵-۲۷)، این نوع افراد را خواند تا برای استراحت نزد او بیایند.

پ. استراحت نه تنها به رهایی از مشقت و بار تحت قانون یا دین و مذهب یا تحت هر کار یا مسئولیتی اشاره دارد، بلکه به آرامش کامل و رضایت تام نیز اشاره دارد.

ت. برگرفتن یوغ خداوند، برگرفتن اراده پدر است؛ این، تنظیم یا کنترل شدن توسط هیچ تعهدی از قانون یا دین و مذهب یا برده شدن توسط هیچ کاری نیست، بلکه فروگرفته شدن توسط اراده پدر است.

ث. خداوند چنین زندگی ای زیست و به هیچ چیز بجز اراده پدرش اهمیت نمی داد (یوحنا ۴: ۳۴؛ ۵: ۳۰؛ ۶: ۳۸)؛ او خود را کاملاً تسلیم اراده پدر کرد (متی ۲۶: ۳۹، ۴۲)؛ از این جهت، از ما می خواهد که از او بیاموزیم:

۱. ایمانداران با برگرفتن یوغ او - اراده خدا - و مشقت کشیدن برای اقتصاد خدا - مطابق الگوی او، خداوند را در روحشان کپی می کنند - ۱۱: ۲۹؛ ۱ پطرس ۲: ۲۱.

۲. خداوند، که سرتاسر زندگی خود تسلیم و مطیع پدر بود، حیات تسلیم و اطاعت خود را به ما داده است - فیلیپیان ۲: ۵-۱۱؛ عبرانیان ۵: ۷-۹.

۳. مسیح، اولین خدا-انسان بود، و ما، خدا-انسانهای بسیاریم. ما باید از او، در تسلیم مطلق او به خدا و نهایت رضایت او از خدا، بیاموزیم.

۴. خدا در ما از طریق عیسی مسیح کاری که از نظر او خوشایند است می کند، تا قادر به انجام اراده او باشیم (۱۳: ۲۰-۲۱)؛ خدا در ما هم اراده و هم عمل را برای خشنودی خود ایجاد می کند (فیلیپیان ۲: ۱۳).

ج. حلیم یا ملایم بودن به معنای مقاومت نکردن در برابر مخالفت است، و افتاده بودن به معنای نداشتن عزت نفس است. خداوند در تمام مخالفت ها حلیم بود، و در تمام طرد شدن ها افتاده دل بود.

چ. او خود را کاملاً تسلیم اراده پدرش کرده، نه می خواست کاری برای خود انجام دهد و نه انتظار داشت چیزی برای خود کسب کند. از این جهت، صرف نظر از وضعیت، او در دلش استراحت داشت. او کاملاً از اراده پدر راضی بود.

ح. استراحتی که ما با برگرفتن یوغ خداوند و آموختن از او می یابیم، برای روان های [جان های] ماست؛ این استراحتی درونی است؛ این چیزی صرفاً بیرونی در طبیعت نیست.

خ. ما از خداوند بر طبق سرمشق او می آموزیم، نه با حیات طبیعی خود، بلکه توسط او به عنوان حیاطمان در رستخیز - افسسیان ۴: ۲۰-۲۱؛ ۱ پطرس ۲: ۲۱.

د. یوغ خداوند، اراده پدر است، و بار قلبی او، کار انجام اراده پدر است؛ چنین یوغی آسان است، نه تلخ، و چنین باری سبک است، نه سنگین.

ذ. کلمه یونانی برای «خفیف [آسان]» به معنای «مناسب برای استفاده» است؛ از این جهت، نیکو، مهربان، خفیف، ملایم، آسان، خوشایند - در تضاد با سخت، خشن، تیز، تلخ.

ر. اگر یوغ خداوند (اراده پدر) را بر خود بگیریم و از او بیاموزیم، برای روان‌های خود استراحت خواهیم یافت. یوغ اقتصاد خدا اینگونه است؛ همه چیز در اقتصاد خدا، بار سنگین نیست، بلکه مسرت است.

۲. در خروج ۳۱: ۱۲-۱۷، پس از حکایت مفصلی در مورد بناسازی محل سکونت خدا، تکرار فرمان حفظ شَبَات [سَبَت] آمده است؛ طبق کولسیان ۲: ۱۶-۱۷، مسیح واقعیت استراحت شَبَات است؛ او کمال، استراحت، آرامی و رضایت کامل ماست - عبرانیان ۴: ۷-۹؛ اشعیا ۳۰: ۱۵: آ.

آ. این امر مسلم که مورد شَبَات پس از دستور کار بنای مسکن درج شده است، نشان می‌دهد که خداوند به بنا کنندگان، [یعنی] کارگران، می‌گفت که یاد بگیرند چگونه با او استراحت کنند، همانطور که برای او کار می‌کنند.

ب. اگر ما فقط بدانیم چگونه برای خداوند کار کنیم ولی ندانیم چگونه با او استراحت کنیم، برخلاف اصل الهی عمل می‌کنیم:

۱. خدا در روز هفتم استراحت کرد زیرا کار خود را تمام کرده و راضی بود؛ جلال خدا ظاهر شد زیرا انسان صورت او را داشت، و اقتدار او در شرف اعمال برای مطیع کردن دشمنش، شیطان، بود؛ تا وقتی که انسان خدا را ابراز می‌کند و به دشمن خدا رسیدگی می‌نماید، خدا راضی است و می‌تواند استراحت کند - پیدایش ۱: ۲۶، ۳۱-۲: ۲.

۲. بعدها، روز هفتم به عنوان شَبَات نگاه داشته شد (خروج ۲۰: ۸-۱۱)؛ روز هفتم خدا، روز اول انسان بود.

۳. خدا همه چیز را برای مسرت انسان آماده کرده بود؛ پس از آفریده شدن انسان، او به کار خدا نپیوست؛ او وارد استراحت خدا شد.

۴. انسان، اول نه برای کار کردن، بلکه برای رضایت از خدا و استراحت با خدا آفریده شد (متی ۱۱: ۲۸-۳۰)؛ شَبَات برای انسان ساخته شد، نه انسان برای شَبَات (مرقس ۲: ۲۷).

پ. خروج ۳۱: ۱۷ می‌گوید: «در شش روز، خداوند آسمان و زمین را ساخت و در روز هفتمین آرام [استراحت] فرموده و استراحت [طراوت] یافت»:

۱. شَبَات نه تنها برای خدا استراحت بود، بلکه برای او طراوت‌بخش نیز بود.

۲. خدا پس از اتمام کار خلقتش استراحت کرد؛ او به کار دست خود، به آسمان‌ها، زمین و همه موجودات زنده، به ویژه به انسان، نگاه کرد و گفت: «بسیار نیکو» - پیدایش ۱: ۳۱.

۳. خدا با انسان طراوت یافت؛ خدا انسان را به صورت خود و با یک روح آفرید تا انسان بتواند با او مشارکت کند؛ بنابراین، انسان، طراوت خدا بود - آ. ۲۶: ۲؛ ۷: ر.ک. یوحنا ۴: ۳۱-۳۴.

۴. خدا قبل از آفرینش نوع انسان، «مجرد» بود (ر.ک. پیدایش ۲: ۱۸، ۲۲)؛ او می‌خواست انسان او را دریافت کند، عاشق او باشد، از او پر شود، و او را ابراز کند تا همسر او شود (۲ قرن‌تیا ۱۱: ۲؛ افسسیان ۵: ۲۵)؛ در ابدیت، خدا همسری خواهد داشت، اورشلیم نو، که همسر بره خوانده می‌شود (مکاشفه ۲۱: ۹-۱۰).

۵. انسان مثل یک آشامیدنی گوارا برای رفع تشنگی خدا و ارضای او بود؛ هنگامی که خدا کارش را به پایان رساند و آغاز به استراحت کرد، انسان را به عنوان همراه خود داشت.

۶. برای خدا، روز هفتم روز استراحت و طراوت بود؛ با این حال، برای انسان، همراه خدا، روز استراحت و طراوت، روز اول بود؛ روز اول انسان، روز مسرت بود.

ت. این یک اصل الهی است که خدا از ما نمی‌خواهد کار کنیم تا وقتی که مسرت برده باشیم؛ پس از مسرت کامل با او و از او، می‌توانیم با او کار کنیم:

۱. اگر ندانیم چگونه با خدا مسرت ببریم، چگونه از خود خدا مسرت ببریم، و چگونه از خدا پر شویم، نخواهیم دانست چگونه با او کار کنیم و در کار الهی او با او یک باشیم؛ انسان از آنچه خدا در کار خود به انجام رسانده است مسرت می‌برد.

۲. در روز پنطیکاست، شاگردان از روح پر شدند، که یعنی آنها از مسرت خداوند پر شده بودند؛ از آنجا که آنها از روح پر شده بودند، دیگران فکر می کردند که آنها از شراب مست شده اند – اعمال ۲: ۴، ۱۲-۱۳.

۳. در واقع، آنها از مسرت شراب آسمانی پر شدند؛ فقط پس از اینکه آنها از این مسرت پر شدند، آغاز به کار با خدا در یگانگی با او کردند. پنطیکاست، روز اول از هفته هشتم بود. بنابراین، در مورد روز پنطیکاست، اصل روز اول را می بینیم.

۴. با خدا، موضوع کار و استراحت است؛ با انسان، موضوع استراحت و کار است. ث. در انجام کار الهی خدا برای بنای کلیسا، که نماد آن، کار بنای مسکن است، ما باید حامل نشانه ای باشیم که نشان دهد ما مردم خدا هستیم و به او نیاز داریم؛ سپس قادر خواهیم بود نه تنها برای خدا، بلکه با خدا نیز توسط یک بودن با خدا کار کنیم؛ او قوت ما برای کار کردن و انرژی ما جهت زحمت کشیدن خواهد بود:

۱. ما مردم خدا هستیم و باید حامل نشانه ای باشیم که به او نیاز داریم تا مسرت، قوت، انرژی و همه چیز ما باشد تا بتوانیم برای او کار کنیم تا او را عزت و جلال دهیم.

۲. شَبَّات به این معناست که قبل از اینکه برای خدا کار کنیم، باید از خدا مسرت ببریم و از او پر شویم. پطرس انجیل را توسط خدای پُرکننده، روح پُرکننده بشارت داد. بنابراین، پطرس نشانه ای داشت که او همکار خدا بود، و بشارت انجیل توسط او عزت و جلال برای خدا بود – آ. ۱۴.

۳. به عنوان مردم خدا، ما باید حامل نشانه ای باشیم که اول با خدا استراحت می کنیم، از خدا مسرت می بریم، و از خدا پر می شویم، و سپس با همان که ما را پر می کند کار می کنیم؛ علاوه بر این، ما نه تنها با خدا کار می کنیم، بلکه همچنین به عنوان کسانی که با خدا یک هستند کار می کنیم.

۴. در سخن گفتنمان با مردم خدا، ما همیشه باید به دنبال حمل نشانه ای باشیم که خداوندمان، قوت، انرژی و همه چیز ما برای خدمتگزاری کلام است – ۲ قرنیتان ۱۳: ۳؛ اعمال ۶: ۴.

ج. حفظ شَبَّات همچنین یک توافق یا پیمان جاودان است که به خدا اطمینان می دهد که ما اول با مسرت بردن از او و پر شدن از او و سپس با کار کردن برای او، با او، و در یگانگی با او، با او یک خواهیم بود – خروج ۳۱: ۱۶:

۱. این موردی جدی است که توسط خودمان برای خداوند کار کنیم بدون اینکه او را در خود بپذیریم و با نوشیدن و خوردن او، از او مسرت ببریم – ۱ قرنیتان ۱۲: ۱۳؛ یوحنا ۶: ۵۷.

۲. همانطور که پطرس در روز پنطیکاست سخن می گفت، دروناً از عیسی برخوردار شده، از او می نوشید و می خورد.

چ. شَبَّات همچنین موضوع تقدیس است (خروج ۳۱: ۱۳)؛ وقتی از خداوند مسرت می بریم و سپس با او، برای او، و با یک بودن با او کار می کنیم، خود به خود تقدیس شده، از هر چیز عادی به سوی خدا جدا می شویم، و با خدا اشباع می شویم تا جایگزین هر چیز جسمانی و طبیعی شویم.

ح. در زندگی کلیسایی ممکن است کارهای زیادی انجام دهیم بدون اینکه اول از خداوند مسرت ببریم و بدون اینکه با یک بودن با خداوند به خداوند خدمت کنیم؛ آن نوع خدمت منجر به مرگ روحانی و از دست دادن مشارکت در بدن می شود (آ. ۱۴-۱۵).

خ. هرآنچه مربوط به محل سکونت خداست، ما را به یک مورد رهبری می کند – به شَبَّات با استراحت و طراوت خداوند؛ ما در زندگی کلیسایی در مسکن هستیم، و مسکن ما را به استراحت، به مسرت از مقصود خدا و آنچه او انجام داده است، رهبری می کند!

د. کار بنای مسکن و تمام اسباب آن (که نمادی از کار خداوند برای بناسازی کلیساست) باید با مسرت از خدا آغاز شود و در فواصل زمانی با طراوت توسط مسرت بردن از خدا ادامه یابد؛ این نشان خواهد داد که ما برای خدا نه با قوت خودمان، بلکه با مسرت از او و با یک بودن با او کار می کنیم؛ این حفظ اصل شَبَّات با مسیح به عنوان استراحت درونی در روحمان است.